

زنان و صلح جهانی با تأکید بر صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی

دریافت: ۹۸/۱۰/۸

سارا رستمی^۱

پذیرش: ۹۸/۵/۶

زری فیروزکاه^۲

چکیده

اگرچه صلح از کهن‌ترین آرمان‌های بشر است، تاریخ بشر مشحون از درگیری‌ها، تعارضات و برخوردها است. بررسی‌ها نشان داده که اقدامات تجاوزکارانه، درگیری‌های نظامی، سیاست‌های استعماری و هرگونه مداخله خارجی و نیز تروریسم و رفتارهای خشونت‌آمیز، زنان را بیشتر مورد آسیب قرار داده است. نقض حقوق انسانی زنان و کودکان در جریان جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی به‌طور آشکار بنیان‌های سلامت و امنیت جامعه بشری را مورد تهدید قرار داده است. در این میان مسئولیت حفظ و ترویج صلح یکی از بزرگ‌ترین وظایف صلح‌بانان زن در سازمان ملل متحد است و این نهاد جهانی برافزایش مشارکت زنان در حفظ صلح، ایجاد صلح و استقرار صلح به‌ویژه از زمان تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ در مورد زنان، تأکید داشته؛ لذا صلح و امنیت زنان، هدف مهمی برای صلح سازمان ملل بوده است. در این پژوهش با تمرکز بر کشورهای سودان جنوبی، لیبی و ساحل عاج، سؤال اصلی این است که صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد در عملیات حفظ صلح و در جهت برقراری صلح چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ همچنین نقش جامعه زنان ایرانی در ایجاد صلح و امنیت هم مورد توجه پژوهش حاضر است. این مقاله با رویکردی فمینیستی و بر پایه نظریه فمینیسم صلح‌طلب و از طریق منابع کتابخانه‌ای و روش

Mpj.rostami@yahoo.com

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران. (نویسنده مسئول)

Firouzgah_z50@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه پیام نور، تهران.

توصیفی - تحلیلی به این فرضیه رسیده است که حضور نیروهای حافظ صلح زن به دلیل استعدادها، ویژگی‌ها و مزایای عملی، به داشتن یک عملیات حفظ صلح مؤثرتر کمک کرده است و به این دلیل هم شاهد گسترش صلح‌بانان زن در عملیات حفظ صلح هستیم.

واژگان کلیدی: صلح‌بانان زن، صلح جهانی، عملیات حفظ صلح، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، سودان جنوبی، لیبی، ساحل عاج، جامعه زنان ایرانی.



صلح جهانی به‌عنوان «نهاد یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» از طریق ایجاد روابط دوستانه و ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و عدم نقض حقوق بشر تعریف می‌شود. پس از انعقاد صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ و شکل‌گیری نظام دولت ملت، مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی مطرح شد و با گذشت زمان و تعمیق روابط بین‌المللی، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز پا به عرصه حیات گذارد (اشرافی، ۱۳۹۳: ۸۶). جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعث از نظام وستفالیایی شد. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط‌زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند؛ بلکه ممکن است کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها سبب بروز تهدیدات تلقی شوند (باری، ۱۳۷۸: ۳۴). بررسی‌ها نشان داده که اقدامات تجاوزکارانه، درگیری‌های نظامی، سیاست‌های استعماری و هرگونه مداخله خارجی، تروریسم و رفتارهای خشونت‌آمیز، زنان را بیشتر مورد آسیب قرار داده است. بر این اساس در سال‌های اخیر سه حوزه صلح و امنیت، توسعه پایدار و حقوق بشر به‌عنوان هسته اصلی فعالیت‌های سازمان ملل را تشکیل داده است. در این میان مسئولیت حفظ و ترویج صلح یکی از بزرگ‌ترین وظایف صلح‌بانان زن در سازمان ملل متحد است (Bigio & Vogelstein, 2018).

در حقیقت خصوصیات زنانه، همچون «تمایل برای برخورداری از امکان رهبری جمعی»، «داشتن دیدگاه‌های کلان نسبت به موضوعات مرتبط با اطفال، زنان و جامعه»، «سلسله‌مراتبی عمل نکردن برای ریشه‌یابی منازعات»، «داشتن نگرانی‌های عمیق نسبت به امنیت غذایی، آب و آوارگان»، «کمک‌های روان‌درمانی» در کنار ارائه راهبردهایی که معمولاً مسائل زیستی، مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، عدالت و امنیت انسان را مورد توجه قرار می‌دهند از مواردی به شمار می‌آیند که تقویت حضور زنان را در عملیات صلح، ضروری می‌کند (شادمانی، ۱۳۹۵).

به‌طور کلی حضور نیروهای زن حافظ صلح یک نیاز مبرم و اساسی است. در بسیاری از موارد زنان می‌توانند در جمع‌آوری اطلاعات در خصوص قربانیان خشونت‌های جنسی و

فیزیکی، همکاری با زندانیان زن، استقرار مجدد آرامش و برگرداندن زنان درگیر در مناقشات و درگیرهای بین‌المللی به زندگی شخصی‌شان و کمک به آموزش نظامی دانشجویان نظامی زن در آکادمی‌های پلیس را باکیفیت بهتری انجام دهند. مشارکت زنان در بخش امنیتی با شکایت‌های سوء رفتار کمتری همراه است و ادراک شهروندان از یکپارچگی نیروها را بهبود می‌بخشد. تاکنون ۳۰٪ از نیروهای نظامی حافظ صلح را زنان تشکیل داده‌اند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰).

از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که صلح‌بانان زن سازمان ملل در عملیات حفظ صلح (PKOs)^۱ چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ با بررسی نقش و تأثیر آن‌ها در کشورهای لیبی، ساحل عاج به نظر می‌رسد که حضور این نیروها باعث شده عملیات صلح سازمان ملل مؤثرتر عمل نموده باشند.

۱- پیشینه پژوهش

دلاوگا و نیلسون^۲ (۲۰۰۶) مقاله‌ای بانام «نقش زنان در برقراری صلح و ثبات جهانی» به انجام رساندند. نتیجه، حاکی از آن بود که تصمیم‌گیری‌های صلح و امنیت کامل در سطوح ملی و بین‌المللی بدون مشارکت زنان اثرگذاری چندانی ندارد. به همین خاطر کشورها بایستی در بررسی و تدوین قوانین روشن در استفاده از زنان و حفظ کرامت و امنیت جنسی آنان اهتمام ورزند.

انجمن حمایت کرامه (۲۰۱۷) نیز در گزارش کنفرانس سالانه خود تحت عنوان «نقش زنان در صلح پایدار» نوشته است؛ زن به دلیل نقش خاصی که در تأمین صلح بر عهده دارد به سرمایه‌های درونی مجهز است که جامعه مدنی در رشد خود نیازمند به این ارزش‌ها است. یکی از این سرمایه‌های درونی عاطفه است و در طول تاریخ در تمامی اجتماعات نمودهای بسیار شکوهمندی داشته است که این میل درونی اگرچه در تمام انسان‌ها کم‌وبیش وجود دارد؛ اما نزد زن بیشتر است.

صانع‌پور (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «حضور مادرانه زنان در قدرت و سیاست» پیشنهاد می‌کند تا در کنار مردان، زنان نیز با حضور مادرانه‌شان در تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌ورزی‌های ملی و جهانی مشارکت داشته باشند تا صلح و مهربانی بر جوامع ملی و جهانی حاکم شود، تعاملات هم‌افزایانه در قدرت و سیاست جایگزین تقابل‌های مخرب کنونی گردد.

شادمانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نقش زنان در مخاصمات و استقرار صلح» نتیجه‌گیری کرده است اکثر فعالیت‌های زنان در برقراری صلح بر مبنای فمینیسم صلح‌طلب است؛ اما چالش‌هایی در جهت قبول مدیریت زنان در ایجاد صلح وجود دارد همچون: وجود باورهای سخت‌اندیشانه درون‌بخشی از لایه‌های اجتماعی جوامع، نفوذ سیاسی، تجربه‌های آزار جنسی، تبعیض و تعصبات جنسی در خصوص زنان، فقدان منابع مالی و...

کانوی^۳ و شومکر^۴ (۲۰۰۸) در اثر خود تحت عنوان زنان در عملیات صلح سازمان ملل؛ ارتقای فرصت‌های رهبری بیان می‌دارند که فقدان زنان در مناصب ارشد سازمان ملل، به‌ویژه در مأموریت‌های صلح، منعکس‌کننده این واقعیت است که موانع مهم فرهنگی و نهادی بر ورود و پیشرفت زنان در سازمان ملل است لذا باید فرصت‌های مشارکت زنان را افزایش داد. جنینگز^۵ در گزارش مرکز صلح سازی نروژی (۲۰۱۱) به مشارکت زنان در عملیات حفظ صلح پرداخته و آن را نتیجه اقدامات جریان فمینیستی می‌داند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته چهارچوب نظری مقاله حاضر، نظریه فمینیسم صلح‌طلب به دلیل جامعیت بیشتر در تبیین موضوع موردنظر است. نظریه فمینیسم صلح‌طلب بر این اعتقاد بود که زنان به دلایل زیست‌شناختی و بار عاطفی می‌توانند از بروز جنگ در جهان جلوگیری کنند؛ هم‌چنین ریشه صلح‌طلبی زنان و آمادگی بیشتر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی یا تأثیرگذاری بر این تصمیمات، در تفاوت زیست‌شناختی میان زنان و مردان ریشه دارد؛ بنابراین می‌بایست وظایفی در زمینه استقرار و حفظ صلح به آنان محول شود؛ لذا پیش‌بینی می‌شود کشورهای آفریقا نیازمند حضور زنان در جهت کمک به اقرار آسیب‌پذیر همچون زنان و کودکان در پیشگیری از خشونت علیه زنان و سوءاستفاده‌های جنسی و ایجاد صلح و امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان باشند. بر همین اساس از ۸ نفر از صلح‌بانان و فعالان این عرصه در مناطق مذکور و تحلیل گفته‌های آنان استفاده گردیده است.

جدول (۱) افراد نمونه و معرفی صلح‌بانان زن از سه منطقه (سودان جنوبی، لیبی، ساحل عاج)

ردیف	نام صلح‌بان	حوزه فعالیت	تاریخ فعالیت
۱	نیکو کلاریس دلامینی زوما	رئیس اتحادیه آفریقا	۱۹۹۴
۲	ویدا ال تابالی	فعال زنان لیبی	۲۰۱۱-۲۰۱۸
۳	آلا مورابیت	فعال زنان لیبی	۲۰۱۵-۲۰۱۶
۴	هاجر شریف	فعال زنان لیبی	۲۰۱۷-۲۰۱۹
۵	سهام سرگیوا	فعال زنان و نماینده رپوده شده پارلمان لیبی	۲۰۱۸
۶	زهرا لانگی	فعال زنان لیبی	۲۰۱۱-۲۰۱۸
۷	اما مادزیوا	صلح‌بان زن اهل زیمباوه فعال در سودان	۲۰۱۹
۸	پرل بلک	صلح‌بان زن اهل آفریقای شمالی فعال در سودان	۲۰۱۷

۲- مبانی نظری پژوهش: فمینیسم صلح طلب

بر اساس نظریه فمینیسم، فلسفه روابط بین‌الملل بر پایه تعامل و همکاری میان جوامع گوناگون است، نه تقابل، رقابت، جنگ و تعارض؛ بنابراین دولت‌ها در وابستگی متقابل به سر برده و به هیچ وجه این وضعیت آسیب‌پذیری تلقی نمی‌شود. طبق مطالعات فمینیستی از لحاظ اخلاقی مردان ضمن تأکید بر حقوق فردی بر به کار بستن مقررات انتزاعی اصرار دارند، ولی زنان ضمن توجه به مسئولیت اعضای گروه نسبت به کدیگر به چهارچوب‌های عینی و ملموس توجه می‌کنند. (نوازنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۵). به اعتقاد فمینیست‌ها امروزه قدرت سخت‌افزاری اهمیت خود را ازدست داده است. فمینیست‌ها برخلاف برداشت تک‌بعدی واقع‌گرایان از امنیت، برداشتی چندبعدی ارائه می‌کنند. امنیت در اینجا به معنای کاهش همه انواع خشونت، از جمله فیزیکی، ساختاری و زیست‌محیطی است (نوازنی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۰۲).

در سال‌های اخیر، نهاد زنان ملل متحد در تلاش‌های خود برای ترویج صلح و امنیت در سطح جهان برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داده است که در چهارچوب نظریات فمینیسم سنجیده می‌شود. فمینیسم به جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است، اطلاق می‌شود. جنبش زنان مجموعه تحولاتی است که از نیمه دوم قرن نوزدهم در حوزه‌های

فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بستر مدرنیته روی داده است. این جریان از جنبشی اجتماعی سیاسی آغاز و به مرحله نظریه‌پردازی منتهی شده است. آبوت و والاس^۶ آن را جنبشی می‌دانند که با رویکردی زنانه و باهدف رفع انواع تبعیض و ستم نژادی، طبقاتی و جنسیتی علیه زنان به وجود آمده است (موحد، ۱۳۸۵: ۳۲۲). یکی از اشکال مهم فمینیسم، فمینیسم صلح‌طلب است که مبنای نظری پژوهش حاضر قرار گرفته و نویسنده در این قسمت به تعریف و معرفی اجمالی این تئوری می‌پردازد.

فمینیسم صلح‌طلب^۷ که حاصل تلفیق آرمان‌های فمینیستی با آرمان‌های عام‌تر اجتماعی است، بر این اعتقاد است که زنان به دلایل زیست‌شناختی و بار عاطفی می‌توانند از بروز جنگ در جهان جلوگیری کنند؛ بنابراین می‌بایست وظایفی در زمینه استقرار و حفظ صلح به آنان محول شود. اندیشمندان دیدگاه زیست‌شناختی معتقدند که ریشه صلح‌طلبی زنان و آمادگی بیشتر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی یا تأثیرگذاری بر این تصمیمات، در تفاوت زیست‌شناختی میان زنان و مردان ریشه دارد. از آنجاکه زنان توانایی به دنیا آوردن و بزرگ کردن کودکان را دارند، به حفظ حیات انسانی و پرهیز از هزینه‌های انسانی تمایل دارند و صلح‌طلب هستند. اصل قدیمی «مردان جنگ‌طلب» هستند، پس باید شهروند و حاکم باشند، کاملاً رد نمی‌شود، بلکه واژگون می‌شود تا از آن برای استدلال حضور زنان در سیاست خارجی استفاده شود (صبوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

فرانسیس فوکویاما^۸ دیدگاهی در خصوص صلح‌طلبی زنان دارد. وی معتقد است خشونت در انسان برخاسته از مدنیت اوست؛ چراکه انسان‌ها در ذات خود آرام و صلح‌جو هستند و «خشونت» و «مردسالاری» پدیده‌هایی هستند که بعدها به وجود آمده‌اند؛ به نظر فوکویاما جهانی که توسط زنان اداره شود، از قوانین متفاوتی تبعیت می‌کند و «آن جهانی است که همه جوامع فرا صنعتی و یا غربی به سوی آن در حرکت هستند. به تدریج که زنان در این کشورها قدرت را در دست می‌گیرند، این کشورها علی‌القاعده کمتر تجاوزگر، ماجراجو، رقابت‌طلب و خشن می‌شوند» (فوکویاما، ۱۳۷۷: ۳۹-۳۷). فمینیست‌های صلح‌طلب خود را در قبال زنان در دیگر کشورها مسئول می‌دانند و می‌کوشند از طریق اعمال فشار بر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی از نظامی‌گری و جنگ در سراسر جهان جلوگیری کنند. این امر از دو طریق می‌تواند صورت پذیرد؛ یکی اینکه با اعمال فشار بر نهادهای دولتی اهداف صلح‌طلبانه وارد دستور

کار حکومت شود و دیگر اینکه با افزایش حضور زنان در مقامات تصمیم‌گیرنده در زمینه این‌گونه سیاست‌ها تغییر ماهوی صورت گیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۴۳۱).

به نظر می‌رسد یکی از عمده‌ترین دلایل تلاش جامعه جهانی برای کمک و حمایت از زنان به دستیابی فرصت‌های برابر، ریشه در این باور فمینیست‌های اصلاح‌طلب دارد که آن‌ها نسبت به مردان از پتانسیل‌های بیشتری برای برقراری صلح و آرامش در دنیا همچون تلاش‌های جدی در جهت حذف تسلیحات کشتار جمعی و... برخوردارند. بایانیم^۹ معتقد است درک این حقیقت که زنان می‌توانند آثار مخرب جنگ، تخصم را در سراسر جهان کاهش دهند، برای پیشبرد مذاکرات صلح در ابعاد جهانی بسیار مهم و اثرگذار است. (سعیدی، ۱۳۹۷).

از مهم‌ترین خروجی‌های اقدامات و فعالیت‌های تئوری پردازان و طرفداران فمینیسم صلح‌طلب شاید همین حضور زنان در عملیات حفظ صلح باشد و در پاسخ سؤال اینکه چرا اغلب زنان در عملیات حفظ صلح مشارکت می‌کنند می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل آن تلاش‌های جریان اصلی جنسیتی در این نهادها باشد. همان‌طور که در کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ و در اسناد متعاقب آن تصریح شد، جریان اصلی جنسیت ارتباط مستقیمی با استخدام زنان در نهادهای موجود ندارد - سیاستی که بسیاری از فمینیست‌ها به طرز قاطعانه آن را «مشارکت دادن زنان و فعالیت و تحرک» توصیف می‌کنند؛ در عوض، تلاش قابل توجه جریان اصلی جنسیتی برای نهادینه کردن رویکردهای جنسیتی در طراحی و اجرای قوانین و سیاست‌ها است. به‌طور ویژه می‌توان از قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSCR 1325; UN Security Council Resolution 1325) نام برد که افزایش مشارکت زنان در حفظ صلح، ایجاد صلح و استقرار صلح - و در داخل نهادهای صلح و امنیت کشورهای عضو - را به پیشرفت و بهبود در وضعیت زنان در محیط‌های درگیری و پس از جنگ پیوند می‌زند. بر اساس UNSCR 1325، انتصاب یا استخدام تعداد بیشتری از رهبران زن، تصمیم‌گیران، افسران نظامی یا پلیس و پیاده‌سربازان، ابزاری برای محافظت بهتر از ایمنی و حقوق زنان و دختران است. علاوه بر این، اطمینان از مشارکت زنان در همه سطوح با «حفظ و ارتقاء صلح و امنیت بین‌المللی» مرتبط است.

قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد منافع، تجربیات و چالش‌های زنان را به‌طور جدی در دستور کار صلح و امنیت قرار داده است. این امر در افزایش دید و اهمیت «مباحث جنسیتی» در حفظ صلح سازمان ملل بسیار مهم بوده است و به هنجار کردن این ایده کمک کرده است که مشارکت عادلانه زنان در فرآیندهای صلح و به‌طور کلی، در زندگی سیاسی و اقتصادی جامعه آن‌ها برای صلح پایدار بسیار مهم است. باین وجود، تمرکز قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل بر زنان (به‌جای جنسیت) و نمایندگی و مشارکت آنان (به‌جای انواع رویکردها) باعث می‌شود که این ذهنیت «اضافه کردن زنان و تحرک» مستعد پذیرش باشد؛ بنابراین، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، بسیاری از برنامه‌های اقدام ملی UNSCR 1325 (حداقل در ابتدا) تا حدودی برافزایش تعداد زنان در نیروهای مسلح، تیم‌های میانجیگری و غیره کشورهای علاقه‌مند متمرکز شده‌اند؛ و دستگاه‌های صلح سازمان ملل متحد از این قطعه‌نامه پیروی کرده‌اند. (NO REF Report, 2011)

۳- مفهوم صلح

از آنجایی که مفهوم صلح دچار تحولاتی شده و از مفهوم سنتی و کلاسیک خود که آن را فقدان جنگ می‌دانست عبور نموده و در عصر کنونی فراتر از نبودن جنگ و منازعه تعریف می‌شود و دارای مفهوم کلان‌تر و موسع‌تری بوده و تنها به آن مفهوم مضیق و محدود محصور نشده است در این بخش از مقاله نویسنده به دلیل ماهیت اقداماتی که توسط صلح‌بانان و به‌ویژه صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد انجام می‌شود؛ ضروری می‌داند که به این مفهوم پرداخته و تحولات و پیشینه آن را مطرح نموده و اشاره نماید که صلح نما و صورت دیگری هم دارد و آن صلح مثبت و پایدار است که در اینجا مدنظر نویسنده است.

در رابطه با مفهوم صلح تعاریف گوناگونی ارائه شده است و می‌توان بیان داشت که صبغی این مفهوم در شرق و غرب تا حدودی متفاوت از یکدیگر است. در غرب، مفهوم صلح با تأکید بر نبود خشونت معنا می‌شود (صلح منفی) در حالی که تعاریف شرقی بر حضور برخی شرایط جهت تحقق صلح تأکید دارند (صلح مثبت)، همچون تعادل، هارمونی، پایداری. درک جهانی از صلح مستلزم تجمیع این دو برداشت از صلح خواهد بود (Anderson, 2004: 102).

صلح در مفهوم کلاسیک خود، به «نبود جنگ» تعبیر شده که امروزه به آن «صلح منفی» گفته می‌شود. این در حالی است که مفهوم صلح اعم است از «صلح منفی» و «صلح مثبت».

در چهارچوب «صلح مثبت» نه تنها عدالت در تعارض با صلح قرار نمی‌گیرد، بلکه تحقق عدالت لازمه‌ی ایجاد صلح ساختاری است. این نگاه و قرائت جامع است که موضوع مطالعات صلح قرار گرفت. (عسگری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱-۲)

در آموزه‌های حقوق بین‌الملل نیز از دوران کلاسیک تاکنون، همواره صلح مورد تقدیر و چه بسا تقدیس بوده است و علما و اندیشمندان علم حقوق بین‌الملل، راهیان تتبع و اندیشه ورزی در این مسیر را ترغیب می‌نمودند تا طریقی برای رسیدن به صلح ارائه دهند (271-250: 2012, Gaurier)؛ اما صلح در ادبیات سنتی حقوق بین‌الملل، بیش از هر چیز به توصیف وضعیتی می‌ماند که دولت‌ها را در کنار هم به رفتار مسالمت‌آمیز و عدم توسل به زور سوق می‌دهد. از این منظر، مطالعات صلح نیز به روشی صرف تقلیل پیدا می‌کند که برای نیل به این وضعیت مطلوب، ارائه طریق می‌نماید. در حالی که صلح، فارغ از معنا و مصداق آن، در ادبیات کنونی حقوق بین‌الملل به‌عنوان یک حق فردی و جمعی بشری در منظومه نسل سوم حقوق بشر مورد توجه قرار دارد.

رویکرد جدید در مطالعات حقوق بین‌الملل نیز باید مبتنی بر چنین دیدگاهی باشد و از صلح منفی فراتر رود و در راه صلح مثبت گام بردارد؛ صلح مثبت در یک تعریف ساده، عبارت است از احترام به حقوق بشر و عدالت و پرهیز از خشونت در روابط بین‌الملل اعم از خشونت ساختاری یا خشونت مستقیم که علاوه بر جنگ و نزاع، شامل بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، آسیب به محیط‌زیست، عدم بردباری و ... می‌شود؛ بنابراین، اگر در آموزش اندیشه‌های حقوق بین‌الملل کلاسیک تصور بر این بود که نبود جنگ، صلح را به همراه خواهد آورد، این رهیافت دیگر کاربردی ندارد. بلکه در حقوق بین‌الملل مدرن که باید در دانشگاه‌ها تدریس شود، صلح تنها زمانی محقق خواهد شد که امنیت عمومی در جامعه بین‌المللی برقرار شود؛ امنیتی که در سایه آن، حقوق بشر و عدالت به شکلی گسترده و عام الشمول مطمح نظر باشند؛ چراکه این دو آن چنانکه مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز اذعان دارد، از مصادیق اصلی قواعد آمره بین‌المللی در حقوق بین‌الملل مدرن به حساب می‌آیند (A/CN.4/693, 2016: paras. 44-49).

لذا صلح، به‌عنوان «نهاد یک نظم بین‌المللی مبتنی بر عدالت» تلقی شده است؛ از این دیدگاه صلح به معنای برقراری و تداوم صلح نیست؛ بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. این دیدگاه پس از پایان جنگ

سرد قوام یافت. سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای که در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند: «امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست. عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نقض حقوق بشر نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی به حساب می‌آید» (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۵۱۶). صلح جهانی ایده‌ای جهانی برای پرهیز از خشونت است که ملل جهان با رغبت برای رسیدن به آن همکاری می‌کنند، چه داوطلبانه و چه به‌وسیله نظامی حکومتی که از جنگاوری ممانعت به عمل می‌آورد. این اصطلاح گاهی به از بین رفتن همه خصومت‌ها و عداوت‌ها بین همه افراد اطلاق می‌گردد (بداشتی، ۱۳۹۵: ۳).

۴- کارکردهای حضور مؤثر زنان در عملیات حفظ صلح

به‌طور کلی می‌توان کارکردهای مهم صلح‌بانان زن را در موارد زیر ذکر نمود:

≠ محافظت: PKO ها با تعداد بیشتری از زنان صلح می‌توانند از شهروندان به‌ویژه زنان و کودکان محافظت کنند، زیرا زنان حافظ صلح آگاهی و حساسیت بیشتری را نسبت به نیازها و چالش‌های خاص خود به ارمغان می‌آورند و به این دلیل که زنان حافظ صلح نسبت به مردان صلح کمتر مرعوب‌کننده یا تحریک‌کننده و نگران‌کننده هستند.

≠ خشونت جنسی (۱) - کمک به قربانیان: زنان حافظ صلح، پاسخ دلسوزانه یا همدلی نسبت به زنان و کودکان قربانی، به‌ویژه مواردی که مورد حمله جنسی قرار گرفته‌اند، تضمین می‌کنند. غالباً ادعا می‌شود که زن مورد تجاوز «راحت‌تر» است که با زن دیگری در مورد تجاوز که به او شده صحبت کند.

≠ خشونت جنسی (۲) - بازدارندگی: با داشتن یک تأثیر «تمدن» بر همکاران مرد، حضور زنان باعث می‌شود رفتارهای بهتری انجام شده و کمتر فساد و سوءاستفاده و تجاوز و تعدی علیه زنان انجام شود.

≠ خشونت جنسی (۳) - انتشار: با توجه به مسئله سوءاستفاده بهره‌برداری جنسی توسط کارکنان سازمان ملل متحد، زنان احتمالاً کمتر مرتکب جنایت می‌شوند،

بنابراین به‌طور کلی سوءاستفاده جنسی یا بهره‌برداری و استعمار جنسی را پایین می‌آورند.

≠ مزایای عملی: زنان حافظ صلح می‌توانند زنان محلی را در پاسگاه‌ها (ایست‌های بازرسی) جستجو کنند. می‌تواند با گروه‌های زنان محلی روابط بهتری برقرار کند؛ و می‌تواند با دسترسی بهتر به زنان محلی و / یا درک وسیع‌تری از آنچه تهدید امنیتی است، جمع‌آوری هوشمندانه اطلاعات در مورد جامعه محلی را بهبود بخشد.

≠ الهام‌بخش: زنان حافظ صلح با خدمت به‌عنوان الگوهای نقش یا مربی برای زنان و دختران محلی به روابط عادلانه‌تر در روابط محلی کمک می‌کنند.

جمع این استدلال‌های مختلف این است که حضور نیروهای حافظ صلح زن به دلیل استعدادها، ویژگی‌ها یا مزایای عملی، به داشتن یک PKO مؤثرتر کمک می‌کند.

علاوه بر این، افزایش مشارکت زنان در PKO در نظر گرفته می‌شود که هم اثرات درون‌زا و هم برون‌زا دارند. اثرات درون‌زا که در PKO موردنظر احساس می‌شود: حضور زنان باعث می‌شود که عملیات دلسوزانه، همدلانه و خوش‌بینانه‌تر انجام شود. تأثیرات برون‌زا در سطح جامعه میزبان رخ می‌دهد و شامل زنان صلح می‌شود که به‌عنوان الگوی نقش، بهبود روابط جنسی محلی و بهبود ظرفیت محافظت و پاسخگویی مأموریت فعالیت می‌کنند.

افزایش مشارکت زنان در PKO می‌تواند به نفع همه طرفین باشد: ساکنان محلی منطقه مأموریت، PKO و افراد حافظ صلح شخصی، زن و مرد. شامل طیف متنوعی از تجربیات، قابلیت‌ها و دیدگاه‌ها در همه سطوح یک PKO امکان مأموریت‌هایی را فراهم می‌کند که دارای واکنش بیشتری باشند و مستعد تفکر گروهی نباشند (Jennings, 2011).

۵- زنان و نقش آنان در ایجاد، حفظ، ایجاد و استقرار صلح جهانی

با توجه به اهمیت صلح و امنیت در همه سطوح ملی و بین‌المللی تلاش‌ها و اقدامات بسیاری در راستای این امر صورت گرفته است. به‌ویژه که با گسترش مفهوم صلح که تنها شامل فقدان جنگ نمی‌شود بلکه صلح با تغییر در ساختارهای نامناسب و بعضاً تبعیض‌آمیز صورت کامل واقعی‌تر به خود می‌گیرد لذا توجه به مسائل زنان هم به‌عنوان بخش اعظمی از

جامعه بین‌الملل مورد توجه نهادها و موضوعات مختلف قرار گرفته است. قبلاً به تلاش‌های سازمان ملل به‌ویژه به قطعنامه ۱۳۲۵ اشاره گردید؛ در این بخش از پژوهش به موارد دیگری از تلاش‌هایی که به توجه به زنان و مشارکت آنان در قالب اقدامات، برنامه‌ها و مذاکرات و سطوح مدیریتی و رهبری صلح به‌اختصار پرداخته می‌شود.

مشارکت زنان در مذاکرات و موافقت‌نامه‌های صلح و امنیت بین‌المللی

در اغلب جنگ‌ها، حدود ۹۰ درصد تلفات از غیرنظامیان است و بسیاری از آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. از همین رو، سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تاکنون توجه فراوانی به وضعیت زنان در جنگ و نیز فعال‌سازی جایگاه آنان در فرآیند صلح داشته است. برخی از اقدامات سازمان ملل عبارت است از:

تأسیس کمیسیون منزلت زنان در ۱۹۴۶، سال بین‌المللی زنان در ۱۹۷۵، کنفرانس زنان در مکزیک، نام‌گذاری دهه زنان در سازمان ملل در خلال سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۵، برگزاری کنفرانس زنان در کپنهاک در سال ۱۹۸۰، برگزاری کنفرانس زنان در ناپروبی در سال ۱۹۸۵، برگزاری کنفرانس حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳، برگزاری کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵، برگزاری کنفرانس پکن+۵ در سال ۲۰۰۰، بسیاری دیگر از این موارد را می‌توان یافت که حاکی از توجه به زنان در پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد است (صبوری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

یونسکو: گسترش فرهنگ صلح و حمایت از زنان

سال ۱۳۷۹/۲۰۰۰ سال بین‌المللی فرهنگ صلح و سال ۱۳۸۰/۲۰۰۱ سال گفتگوی تمدن‌ها نام گرفت، تا زمینه تلاش‌های جهانی برای مبارزه با مشکلات جهانی به‌ویژه آلام زنان فراهم آید. در متن اقدامات یونسکو اجرای برنامه‌های گسترش تساوی و عدالت در میان زنان و مردان جایگاه مهمی داشته است. تأمین منابع مالی لازم برای حضور فزاینده زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی-اقتصادی، گسترش یک جنبش جهانی برای افزایش و گاهی در مورد ضرورت حمایت از قربانیان جنگ‌ها و پایان دادن به خشونت علیه زنان در جریان آن، مهارت‌آموزی در زمینه عوامل جنسیتی مربوط به فرهنگ صلح و حمایت از زنان در رسانه‌ها، تشکیل و گسترش شبکه‌های

زنان و نیز آموزش و ارتقای آگاهی‌ها و مهارت‌های آنان به منظور ارتقای خودباوری و بهبود فرصت‌های زندگی و شغلی دختران در این برنامه قرار داشته است. (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۵۰)

حضور زنان در مناصب مدیریتی سطوح عالی

در کشورهای درگیر مخاصمات مسلحانه، مشارکت زنان در مجالس قانون‌گذاری و پارلمان، به طور متوسط ۲۲ درصد و میزان مشارکت زنان در مناصب وزارتی بالغ بر ۱۳ درصد است. زنان فقط حدود ۱۹ درصد از نیروهای موجود در هیئت‌های نمایندگی و مأموریتی ملل متحد را به خود اختصاص داده‌اند. در تابستان ۲۰۱۴، حضور ۶ سفیر زن مطابق قطع‌نامه شورای امنیت، باعث شد که میزان مشارکت زنان در مأموریت‌های ملل متحد به ۴۰ درصد برسد.

عدالت و امنیت

از سال ۲۰۰۰، زنان حدود ۲۵ درصد از اعضای کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و کمیسیون‌های برقراری مصالحه و سازش را به خود اختصاص داده‌اند.

برقراری صلح و اعاده وضعیت به حالت سابق

در چارچوب برنامه‌های برقراری صلح و اعاده وضعیت به حالت سابق، در سال ۲۰۱۳، فقط حدود ۲۲ درصد از بودجه صندوق امانی به زنان تخصیص یافته است. در سال ۲۰۱۳، میانگین ۲۵ تا ۲۸ درصد از متفعان برنامه‌های حمایتی از پناهندگان و آوارگان ناشی از وضعیت مخاصمات مسلحانه را زنان به خود اختصاص داده‌اند. به طور نمونه در ۶ کشور، کمتر از ۸ درصد از بودجه تخصیص یافته بعد از جنگ به امر توان‌افزایی زنان و برقراری برابری جنسیتی تخصیص یافته است. (طاهری: ۱۳۹۳)

عینیت بخشیدن به نقش زنان در عملیات پشتیبانی از صلح

عینیت بخشیدن به نقش و ارتقای مشارکت زنان در عملیات پشتیبانی و نگه داشت صلح برای کسب موفقیت در این گونه از عملیات امری حیاتی است؛ زیرا علاوه بر منافع دیگر، به تحقق نیازهای امنیتی متفاوت در درون جوامع گوناگون نیز

کمک می‌کند، تأثیرگذاری عملیاتی را بهبود می‌بخشد، یک مأموریت نمونه الگو ایجاد می‌کند، اجزاء غیرنظامی مأموریت را تقویت می‌نماید و اشتباهات تاکتیکی را کاهش می‌دهد. مشارکت زنان در مأموریت‌های پاسداری از صلح می‌تواند، تغییرات مثبتی را برای زنان در کشورهایی که خدمت می‌کنند و در جاهایی که زنان اغلب در حاشیه اجتماع هستند، از طریق ارائه مثال‌های مثبت از رهبری زنان ایجاد نماید. مسئولیت تضمین این‌که نیروهای پاسدار صلح به‌اندازه کافی آموزش ببینند و برای مشارکت در عملیات حفظ صلح آماده باشند، عمدتاً در کشورهای سرباز دهنده نهفته است. به دلیل اهمیت آموزش جنسیتی، بسیار مهم است که تمام این آموزش‌ها شامل یک جزء جنسیتی قدرتمند باشند که دربرگیرنده اطلاعات سوءاستفاده جنسی و استثمار و قوانین مربوطه سازمان ملل درباره این مسائل است. به دلیل این‌که عملیات پشتیبانی صلح، از تیم‌های گوناگون کشورها و فرهنگ‌های مختلف تشکیل می‌شوند، تضمین سطح مشابهی از آمادگی و پیش‌اعزام دشوار است. نهایتاً فرهنگ‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت نسبت به نقش زنان در جامعه باید در زمان اعزام نیروها به خارج برای حفظ و پاسداری از صلح به حساب آیند. (تقی زاده انصاری، سیمبر، ۱۳۹۳: ۳۹۷-۳۵۸)

چارچوب حقوق بین‌الملل و صلح

حقوق بین‌الملل برای حمایت از زنان و دختران هنگام درگیری‌های مسلحانه چارچوبی را مقرر کرده است: این چارچوب شامل حقوق بین‌المللی انسان دوستانه، حقوق بشر بین‌المللی، حقوق جزای بین‌المللی و حقوق بین‌المللی پناهندگان است. حقوق انسان دوستانه بین‌المللی که مقررات ناظر بر مناقشات و حمایت از نظامیان و غیرنظامیان را مقرر می‌کند با حمایت از زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه ارتباط موضوعی مهمی دارد. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی آن‌ها به تاریخ ۱۹۷۷ به حمایت از قربانیان در درگیری‌های مسلحانه می‌پردازند. حقوق بشر بین‌المللی نیز در زمان درگیری‌های مسلحانه کاربرد دارد.

تعبیر حساس به جنسیت از تعریف پناهندگان مندرج در کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان مورخ ۱۹۵۱ به زنان و دختران اجازه می‌دهد بر اساس اذیت و آزارهای مبتنی بر جنسیت، شامل خشونت‌های جنسی، پناهندگی درخواست کنند. طی

دهه گذشته، چارچوب قانون بین‌المللی گسترش یافته تا به برخی از جنایات خاص مانند تجاوز، فحش‌ای اجباری، قاچاق و بردگی بپردازد که زنان و دختران در درگیری‌های مسلحانه آن‌ها را تجربه می‌کنند. به این جنایات در قالب تعاریف جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و به‌عنوان اجزای نسل‌کشی و همچنین شکنجه پرداخته می‌شود.

۶- نقش زنان در فرآیند صلح سازی

نقش زنان در تربیت کودکان، بر مبنای عشق و محبت است که این احساس عشق و محبت از مبانی صلح است. از سوی دیگر، حضور زنان در جامعه، آن‌ها را دچار درگیری تنوع ایجاد می‌کند و آن‌ها با خود نگرش‌ها و مهارت‌های جدیدی به همراه می‌آورند. زنان هم در تغییر نگرش مؤثر هستند، هم دانش لازم را از زاویه دید خودشان در اختیار می‌گذارند. علاوه بر این، حضور زنان به همزیستی مسالمت‌آمیز و درک متقابل کمک می‌کند که این‌ها هم از مبانی صلح است. صلح توسط زنان به دلیل نقش ماهیتی و هویتی آنان پایدار خواهد بود. چون درک و احترام متقابل دوستی، محبت، تسامح، مدارا و تعادل را به همراه دارد. اخلاق، تعالی و تقویت سجایای اخلاقی از دیگر نتایج حضور مؤثر زنان است؛ زیرا آن‌ها هارمونی اجتماعی را شکل می‌دهند و نقشی راهبردی ایفا می‌کنند. نقش زنان در تربیت نسل جدید هم بسیار تأثیرگذار است. در حال حاضر، نمی‌توان توقع داشت مدارس به آموزش صلح بپردازند. مگر این‌که نگرش صحیحی نسبت به صلح به وجود بیاید و کتب درسی و برنامه‌های آموزشی از خشونت، تبعیض و بیانات نفرت‌زا دور باشد. زنان اگر در اداره مدارس و تهیه و تدوین کتب درسی وارد شوند، می‌توانند در رفع خشونت و تبعیض نقش مؤثری داشته باشند (اسلامی، ۱۳۹۶: ۲-۳).

زنان از دیرباز در اعمال نفوذ و سازماندهی صلح و خلع سلاح فعال بوده‌اند. گروه‌های زنان متشکل از عامه مردم، جبهه‌های چندحزبی و قومی تشکیل داده‌اند، صلح را ترویج می‌کنند و اقدامات آشتی‌جویانه انجام می‌دهند. آنان حذف تسلیحات کشتارجمعی را درخواست کرده‌اند، علیه سلاح‌های کوچک مبارزات تبلیغاتی انجام داده‌اند، در برنامه‌های جمع‌آوری سلاح‌ها شرکت کرده‌اند و اطلاعاتی درباره مین‌های زمینی منتشر کرده‌اند. مادران گرد هم آمده‌اند تا از سرنوشت فرزندان «مفقودالثر» خود

مطلع شوند یا از اعزام اجباری فرزندان خود به خدمت یا اعزام آنان به جنگ جلوگیری کنند.

جنبش‌های صلح زنان اغلب بر تجارب مشترک متمرکز هستند و در سرتاسر جبهه‌های مختلف همبستگی ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود توصیف دشمن، به‌عنوان «دیگری» مشکل باشد. نگرانی‌های این گروه‌ها در خصوص فرزندانشان و سایر اعضای خانواده به آنان مشروعیت اجتماعی می‌بخشد و با زنان طرف مورد مناقشه ارتباط به وجود می‌آورد. در نتیجه، زنان گاهی از مردان در ابراز نگرانی در خصوص مناقشه مشکلات کمتری دارند. گروه‌ها و شبکه‌های زنان در سطوح منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای کارشان را آغاز کرده‌اند. برای مثال، کمیته زنان آفریقا در خصوص صلح و توسعه که در سال ۱۹۹۹ آغاز به کار کرد، بر ترویج حل و فصل مناقشات در تعدادی از کشورهای آفریقایی متمرکز است. شبکه صلح زنان رودخانه مانو، زنان اهل گینه، لیبیا و سیرالئون را گرد هم می‌آورد.

مشاوره با گروه‌ها و شبکه‌های زنان می‌تواند در خصوص مناقشات، شناخت لازم ارائه دهد. درک هنجارها و رسوم جنسیتی در یک جامعه می‌تواند اطلاعات مهم برای نخستین هشدارها تأمین کند، ولی سازمان‌های بین‌المللی همواره دانش، تجربه و دخالت غیررسمی در فرآیندهای صلح را به رسمیت نشناخته و مورد استفاده قرار نداده‌اند. هیئت‌های ارزیابی تقریباً فقط بر احزاب سیاسی و سایر فعالان سیاسی رسمی متمرکز هستند. فعالیت‌های غیررسمی زنان برای صلح به ندرت در فرآیندهای رسمی صلح منعکس می‌شوند. زنان اغلب از فرآیندهای رسمی صلح کنار گذاشته می‌شوند چون تصمیم‌گیرنده، رهبران نظامی یا جنگجو نیستند یا گاهی به این دلیل که فرض می‌شود از مهارت لازم برخوردار نیستند. فرآیندهای صلح ابعاد جنسیتی را در نظر نمی‌گیرند نگرانی‌های اصلی زنان همیشه به میز مذاکره راه نمی‌یابند. سازمان‌های محلی صلح ممکن است در برابر مشارکت و دخالت زنان از خود مقاومت نشان دهند. هریک از گروه‌ها که به فعالیت‌های صلح‌آمیز می‌پردازند، می‌توانند در خصوص نقش‌های مناسب زنان در جامعه فرضیاتی را مجدداً ایجاد کنند. هرگاه از زنان دعوت شود به گروهی ملحق شوند، ممکن است از تصمیم‌گیری کنار گذاشته و به انجام وظایف «خانه‌داری» تنزل درجه داده شوند. (سعیدی، ۱۳۹۷)

۷- تجزیه و تحلیل تأثیر صلح طلبان زن سازمان ملل

در این بخش از پژوهش نویسنده داده‌ها و تحلیل‌های خود را جهت اثبات ادعا و فرضیه خود که معتقد است حضور زنان صلح‌بان در تأمین امنیت و ارتقای صلح مؤثر بوده و باعث کارآمدی بیشتر عملیات حفظ صلح شده است به تفسیر بیان می‌دارد.

۷-۱- زنان و مأموریت‌های صلح‌بانی در سودان جنوبی، لیبی و ساحل عاج

سودان جنوبی از دسامبر ۲۰۱۳ گرفتار جنگ داخلی و آشوب ناشی از بروز اختلاف‌نظر بین سالوا کر^{۱۰} رئیس‌جمهوری و ریک ماچار^{۱۱} معاون وی شده است. شواهد مستند حاکی است در جریان درگیری‌های شدید، زنان سودان جنوبی در معرض تعرض جنسی توسط سربازان ارتش این کشور می‌باشند. دلیل این امر را می‌توان در وجود ساختار نامناسب و ناقص عدالت انتقالی ملاحظه کرد که زمینه‌های لازم برای تحقق این امر مهم را برای زنان در سودان پیش‌بینی نکرده است و به‌ویژه «وضعیت مناسبی برای شهادت دادن زنان در دادگاه‌های حقیقت‌یاب جرائم جنگی کشور سودان فراهم نمی‌کند» (UN Women, 2012). این موضوع در حالی است که اصلاح اوضاع ویژه امنیتی توسط صلح‌بانان زن پس از حوادث خشونت‌آمیز که عمدتاً با تبعات جنسیتی همراه است، نقش بسزایی در بازگرداندن اعتماد به نفس و اطمینان خاطر برای زنان دارد و اساساً آرامش آفرین است. خشونت جنسی در جنگ‌ها و پیامدهای خواسته و ناخواسته آن اعم از بیماری‌ها، مسائل بهداشتی جسمی و روانی، طرد شدن افراد پس از جنگ توسط خانواده‌ها، بی‌سرپرست شدن زنان یا بارداری‌های ناخواسته در شرایط بحرانی و درگیری‌ها از مهم‌ترین مشکلاتی است که زنان کشورهای آفریقایی با آن مواجه‌اند. برای مثال در نسل‌کشی رواندا به ۲۵۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰ زن تجاوز شد. در سیرالئون در حدود ۵۰/۰۰۰ زن قربانی خشونت جنسی شدند. در ساحل‌عاج از سال ۱۹۹۸ تاکنون بیش از ۲۰۰/۰۰۰ زن و دختر مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته‌اند (UN Women, 2012).

در همین حال، گزارش رئیس‌نهاد زنان ملل متحد، از این واقعیت تلخ حاکی است که «در زمینه پیشگیری از مخاصمه، خشونت و نقض حقوق بشر زنان و دختران در برخی از کشورها از جمله لیبی، سودان جنوبی و ساحل‌عاج هنوز چالش‌هایی جدی وجود دارد» (پایگاه تحلیلی-خبری خانواده و زنان، ۱۳۹۱). گفتنی است در ۴ مارس ۲۰۱۶ دبیر کل سازمان ملل متحد سند شماره 70/۷۲۹ را مبنی بر اقدامات ویژه حمایت و جلوگیری از سوءاستفاده جنسی

تنظیم کرده است (www.undocs.org) و در نهایت در اقدامی تکمیلی و کارساز شورای امنیت قطعنامه شماره ۲۲۷۲ را صادر کرده است (Security Council resolution, 2016) که مبین نکات کلیدی و مؤثری است، از جمله آنکه دبیر کل دستورالعمل کارکردی نیروهای حافظ صلح را تدوین کند و در صورت بروز و یا گزارش تخلفات و یا سوءاستفاده جنسی نیروهای پلیس و یا واحدهای نظامی حافظ صلح از زنان، به سرعت و با رعایت استانداردها و دیسپلین‌های نظامی نیروها را جایگزین و جابه‌جا کند. همچنین نظام تحقیق و ترمیم خسارات جبرانی جرائم پیش‌بینی شود، از جمله آنکه مساعدت شود تا اثر آلام وارده به این زنان کاهش یابد.

نیروهای صلح‌بانان زن سازمان ملل متحد در ساحل عاج برای جلوگیری و به صفر رسانی سوءاستفاده جنسی، این عملیات را وفق قطعنامه ۲۲۷۲ شورای امنیت پیگیری می‌کنند تا با افزایش آموزش و آگاهی‌رسانی و نظارت به اهداف مذکور برسند؛ از جمله آنکه در ۲۰۱۸، تعداد ۴۸۲ جلسه حساسیت‌افزایی برای ۱۳۷۰ نفر از پرسنل نیروهای پلیس سازمان ملل^{۱۲} سازمان‌دهی شده است و در کنار این امر (بروشور، پاکت‌نامه‌ها و آگهی‌ها) نیز چاپ شده است تا به‌عنوان بخشی از افزایش حساسیت مبارزه با سوءاستفاده جنسی از زنان مورد توجه قرار گیرد (توحیدی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

در طول جنگ داخلی لیبی در ۲۰۱۱، سهام سرگیوا، از فعالان صلح‌بان زن شروع به مستندسازی موارد تجاوز و سوءاستفاده جنسی در میان زنان معترض کرد. او این کار را در تمام مدت حضور خود در مجلس ادامه داد. وی معتقد است دستگیری و آدم‌ربایی غیرقانونی زنان بر اساس دیدگاه‌های سیاسی یا وابستگی‌ها، ضربه جدی به حاکمیت قانون می‌زند و آشکارا نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشری است. وی تأکید می‌کند که خاموش کردن صدای زنان در موقعیت تصمیم‌گیری قابل‌تحمل نخواهد بود و مجدداً تعهد جدی خود را برای پشتیبانی از نقش تعیین‌کننده زنان لیبیایی در صلح و مشارکت کامل آن‌ها در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. به اعتقاد وی، حضور افسران زن در لیبی به افزایش گزارش موارد مربوط به خشونت‌های جنسی و جنسیتی کمک کرده است. چراکه «برای یک زن آفریقایی بسیار آسان نیست که در مورد خشونت جنسی با یک افسر مرد صحبت کند، اما آن‌ها با افسران پلیس زن می‌توانند آزادانه صحبت کنند و مشکلات روحی، روانی، اقتصادی و... را با آنان در میان بگذارند» (مالمو، ۲۰۱۰). به‌طور کلی با توجه به اینکه بیشتر افراد نیازمند حمایت (آب، غذا و دارو) در کشورهای مقصد، زنان و کودکان هستند،

حضور و مشارکت نیروهای حافظ صلح زن اهمیت بسیاری دارد. به علاوه، روحیات و عواطف زنان می‌تواند به بازسازی فیزیکی و روانی زنان و دختران و مردان کشورهای درگیر مخاصمات و افراد آسیب‌دیده در آن کمک کند و در نهایت باز تأکید بر آموزش مستمر نیروهای مختلف حافظ صلح است که می‌تواند موجب ملکه شدن روحیه تعاون، کرامت و همبستگی حافظین صلح شود.

۲-۲- نقش آموزشی و فرهنگی صلح‌بانان زن

صلح‌بانان زن اتحادیه آفریقا فرهنگ‌ها و تجربه‌های گوناگونی را با خود به مناطق درگیر، همانند سودان جنوبی، آموزش می‌دهند و از این طریق تأثیر بیشتری بر زندگی آنان می‌گذارند. لیبی یکی از سه کشوری است که بیشترین پرسنل یونیفرم پوش را در اختیار مأموریت حفظ صلح سازمان ملل قرار داده است. یکی دیگر از فعالیت‌های زنان صلح‌بان، مربوط به توسعه آموزش‌های بهداشتی و ایمنی جاده‌ها به کودکان است که طی آن از طریق آموزش می‌توان تصورات دانش آموزان را از صلح ارزیابی کرد (جنسیت جهانی، ۲۰۱۴). مورایت از فعالان صلح‌بان زن عنوان می‌دارد: «زنان قاره آفریقا کماکان با موارد متعدد نقض حقوق بشر روبه‌رو هستند و قوانینی که برای دفاع از حقوق آن‌ها موجود است، اغلب به اجرا در نمی‌آیند». بنا به گفته وی، از هر ۳ زن آفریقایی یک زن در طول عمر خود به نوعی خشونت را تجربه می‌کند. او به ختنه میلیون‌ها دختر در سراسر جهان و ازدواج اجباری روزانه ۲۰ هزار زن زیر ۱۸ سال که نوزاد هم متولد می‌کنند، اشاره می‌کند که هنوز از جمله موارد عمده نقض حقوق زنان در سراسر جهان محسوب می‌شوند. باین وجود، تأثیرگذاری صلح‌بانان زن در مشارکت، از مرزهای این قاره فراتر رفته و این بانوان نقش مهمی در فرهنگ‌سازی ایفا می‌کنند. هم‌چنین تلاش آنان برای ارتقای فعالیت زنان آفریقایی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در ابعاد بین‌المللی کاملاً مشخص است (پیشرفت زنان قاره آفریقا، ۲۰۱۸). مورایت معتقد است زنان طرفدار صلح اشتراکات محلی را شناسایی کرده و بستری را برای تقویت صدای خود ایجاد می‌کنند.

موضوع حائز اهمیت دیگر، بحث دین است. صلح‌بانان زن به شدت بر دین تمرکز دارند. متأسفانه در جامعه بین‌المللی و غربی، این عقیده وجود دارد که صحبت در مورد حقوق بشر صحبت کنید، نمی‌تواند با صحبت در مورد دین و ایمان همراه باشد. در اینجا، یک احساس وجود دارد و آن این‌که که شما باید ایمان را به حداقل برسانید و افراد مؤمن، نادان یا عقب‌مانده

هستند؛ بنابراین رویکرد صلح‌بانان کاملاً برعکس است و در حال گفت‌وگو برای تغییر این رویکرد هستند. افسران پلیس زن همراه با مأموریت سازمان ملل و اتحادیه آفریقا در دارفور (UNAMID) در یک اردوگاه پناهندگان، برگزاری کلاس‌های زبان انگلیسی برای زنان و کودکان را تسهیل می‌کنند. محافظت از غیرنظامیان در مقابل خشونت به یکی از عملیات‌های متعدد نیروهای حافظ صلح سازمان ملل تبدیل شده است (مالبو، ۲۰۱۰). هم‌چنین، در قالب فمینیسم صلح‌طلب، پیش‌شرط‌هایی برای برابری زنان با مردان وجود دارد و از جمله آن به‌کارگیری قوانین جدی علیه خشونت خانگی است که می‌تواند از طریق آموزش ارائه شود. هم‌چنین صلح‌بانان زن می‌توانند اقدام به ایجاد پناهگاه‌های دولتی برای قربانیان خشونت خانگی، مراقبت از کودکان و زنان آسیب‌دیده، ساماندهی برنامه‌های غذاخوری، آموزش حقوق کودکان در مدارس به آنان ارائه و آن‌ها را در ساخت صنایع‌دستی، بازی‌ها و ورزش‌های فیزیکی آموزش دهند.

به گفته یکی از فرماندهان صلح‌بان زن، تعامل با دانش‌آموزان در راستای تشویق آن‌ها به شهروندان خوب و هم‌چنین امید دادن به آن‌ها است. او خاطر نشان کرد که نیروهای زن، دختران مدارس را بادانش پایه‌ای از دروس و روش‌های بهداشتی خوب مانند شست‌وشوی دست آشنا می‌کنند. وی گفت که صلح‌بانان هم‌چنین آموزش‌هایی در مورد چگونگی کاهش مصرف خانگی با استفاده از مواد بازیافتی برای تولید محصولات صنایع‌دستی و ارائه هدایای دستی به شرکت‌کنندگان و دانش‌آموزان برگزار کردند. وی گفت: گردان تیم زنان، ساختمان مدارس را بازسازی و از کودکان برای یادگیری در محیط راحت حمایت کردند. صلح‌بانان وسایلی هوشمند را که شامل فنون ریاضیات، جغرافیای پایه و درس‌های زبان انگلیسی به مدرسه بودند، اهدا کردند (www.un.org).

صلح‌بانان زن طرح خواندن درس و به‌طور گسترده‌تر، مهارت‌های دفاع از خود در لیبی را آموزش می‌دهند، کلاس‌های خشونت جنسی و ایدز و به‌طور کلی خدمات پزشکی را ارائه دادند. برخی در یتیم‌خانه و مدرسه محلی مشغول به فعالیت هستند (www.un.org). هاجر شریف، یکی از فعالان صلح‌پایدار معتقد است: «صلح‌بانان زن، زنان را ترغیب می‌کند که در برابر خشونت در لیبی بایستند». شریف می‌گوید: «به مناسبت برنامه روز جهانی زن ما برای ارتقای نقش زنان و دختران جوان در امر صلح با CMI صحبت کردیم». وی عنوان داشت: «خانم‌های جوان غالباً نارضایتی‌های مختلفی را که باید در سطح عاطفی برطرف شوند،

می‌شناسند». یکی از پروژه‌های این سازمان "Super Nsaween" است، این پروژه یک کمپین ارتباطی است که از داستان‌های نوع طنز استفاده می‌کند تا زنان را ترغیب کند در مقابل خشونت، چه از نظر سیاسی، چه از نظر جنسیتی، ایستادگی کند (آمالا، ۲۰۱۹).

۷-۳- حفظ امنیت زنان و کودکان در قاره آفریقا

قطعه‌نامه‌ای که در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ تصویب شد، نقش زنان را در جلوگیری و حل و فصل اختلافات، مذاکرات صلح، ایجاد صلح، حفظ صلح، پاسخ بشردوستانه و بازسازی پس از جنگ دوباره را تأیید می‌کند. همچنین بر اهمیت مشارکت برابر و مشارکت کامل در تمامی تلاش‌ها برای حفظ و ارتقای صلح و امنیت تأکید می‌کند (شادمانی، ۱۳۹۵). خانم ری‌دا. ال تابالی در مصاحبه‌ای با مرکز خبرهای سازمان ملل متحد در مورد نقش زنان در صلح بانی عنوان داشت: نقش صلح نقش مهمی است که سربازان زن در طی مأموریت‌های حفظ صلح در آفریقای جنوبی ایفا می‌کنند، از جمله توانایی آن‌ها برای برقراری ارتباط بهتر با کودکان و زنان به دلیل آسیب‌پذیر بودن آنان در مناطق جنگی تحت تأثیر قرار داده است. سربازان زن در بسیاری از مأموریت‌ها از این گروه‌ها محافظت می‌کنند؛ زیرا آن‌ها به راحتی مشکلات قربانیان زن و همچنین چالش‌های کودکان را درک می‌کنند. در برخی مناطق، به خصوص مناطق اسلامی، زنان نمی‌توانند به‌طور مستقیم با مردان ارتباط برقرار کنند. آن‌ها با سربازان زن ارتباط برقرار می‌کنند و در مورد مشکلات خود صحبت کنند (گبرکیدان، ۲۰۱۶). اطلاعات صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) نشان می‌دهد که به اقدام فوری برای پایان دادن به بیماری‌ها و زخم‌های زنانه و ازدواج فرزندان نیاز است. بیش از ۱۳۰ میلیون دختر و زن در ۲۹ کشور آفریقایی، جایی که این شیوه مضر رایج است، برحسب اطلاعات، زنان نوعی زخم تناسلی دارند. علاوه بر این، ازدواج کودکان در این کشورها زیاد است. بیش از ۷۰۰ میلیون زن ازدواج کرده کودک بوده‌اند، یعنی از سه نفر یک نفر کودک بوده و حدود ۲۵۰ میلیون نفر قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده بودند. این اعداد می‌گویند صلح‌بانان زن باید تلاش‌هایشان را تسریع ببخشند و فراموش نشود که این اعداد نشان‌دهنده زندگی واقعی است (گبرکیدان، ۲۰۱۶). داده‌های جدید در ارتباط با اولین نشست در لندن توسط یونیسف و دولت انگلستان برگزار شد، برای حمایت از جلوگیری و پایان دادن به ازدواج کودکان و FGM (قطع عضو تناسلی)^{۱۳} منتشر شد. ختنه کردن یا بریدن اندام تناسلی به شیوه‌هایی شامل

برداشتن بخش یا بخش‌های عضو تناسلی خارجی دختر است. طبق گزارش سازمان ملل متحد، این عمل که هیچ مزیت‌های بهداشتی ندارد، موجب درد شدید از جمله خونریزی طولانی‌مدت، عفونت، ناباروری و مرگ است (گبرکیدان، ۲۰۱۶). در همین حال، ازدواج کودکان می‌تواند منجر به نابودی و فقدان طول عمر آن‌ها شود. دخترانی که قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کنند، بیشتر به خشونت مبتلا شده و به علت عوارض حاملگی و زایمان، بیشتر زنان، نوزاد خود را در ماه اول زندگی از دست می‌دهند (news.un.org).

ریدا، در خصوص حقوق زنان در لیبی، معتقد است بدون حاکمیت قانون، شبه‌نظامیان مسلح در لیبی سال‌به‌سال تعدادشان افزایش پیدا کرده و با رکود اقتصاد، مردان بیشتری به سمت اسلحه رانده می‌شوند. سلاح‌هایی که به آسانی از طریق کشورهای خارجی و به صورت غیرقانونی وارد لیبی می‌شوند. همین امر نیز یکی از انتقادات اصلی ما به سازمان ملل و تصمیم‌گیرندگان بین‌المللی است که سبب کاهش تحصیلات و دانش دختران لیبی می‌شود و دختران زیادی به علت ترس و ناامنی از خواندن و نوشتن جا می‌مانند. وی معتقد است برخی از شبه‌نظامیان باندهای جنایتکاری هستند که با دولت‌های پیشین و کنونی لیبی در ارتباط هستند. جنگ در لیبی زنان و دختران را بیشتر در تنگنا قرار می‌دهد. جنگ با اشکالی از وحشی‌گری همراه است که بیشتر از مردان بر زنان تأثیر دارد و فعالیت آزادانه زنان را به شدت کاهش داده است. امروز نظامی‌گری و ناامنی برای زنان و دختران بسیار خطرناک است و نمی‌توانند به‌تنهایی فعالیت‌های اجتماعی همچون رانندگی انجام دهند. زنان به‌طور فزاینده هدف حمله و تهمت‌های فراوان قرار می‌گیرند. تنها نظامی‌سازی و ناامنی نیست که فعالیت زنان و دختران را محدود می‌کند. سایه جنگ فرهنگ ازدواج سریع زنان را نیز تقویت کرده است و می‌خواهد زنان زود ازدواج کنند، در خانه بمانند، فقط یک همسر باشند و فرزندانشان را پرورش دهند. ریدا ادامه می‌دهد: «در لیبی بسیاری از والدین فکر می‌کنند که ازدواج زودهنگام نوعی حمایت از دنیای بیرون خواهد بود. این نوع تفکری است که توسط جناح‌های افراطی که در جنگ داخلی به قدرت رسیده‌اند، ترویج می‌شود. در لیبی، سودان جنوبی و ساحل عاج تحصیلات برای دختران رو به کاهش است و ساختار فرهنگی که محافظه‌کار است می‌خواهد دانش دختران از خواندن و نوشتن مقدماتی فراتر نرود؛ بنابراین آثار و پیامدهای جنگ زنان را از آرزوهایشان بازمی‌دارد. بسیاری از زنان پس از انقلاب ۲۰۱۱ به مبارزات ما برای برابری جنسیتی پیوستند، اما جنگ‌های داخلی سبب شد نقششان تغییر یافته

و به‌عنوان نان‌آوران اصلی برای زنده نگه‌داشتن فرزندان خود تبدیل شوند». او می‌گوید: «ما در تلاش هستیم تا به مقامات کمک کنیم و آنان را در مشارکت بیشتر زنان در روند صلح و امنیت و جلوگیری از خشونت مطابق قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد یاری‌رسانیم. ما شبکه‌ای از جامعه مدنی و فعالان زن ایجاد کرده‌ایم تا از این برنامه‌های صلح سازی حمایت کنیم. ترویج کامل حضور زنان در بازسازی لیبی با مخالفت‌های فراوانی روبه‌روست. متداول‌ترین پاسخی که مردان می‌دهند در حال حاضر زمان برای حضور فعال زنان مناسب نیست و زنان توانایی لازم را برای دفاع از حقوق ندارند. ما معتقدیم چنین پاسخی عقلائی نیست و تنها این نکته را ثابت می‌کند که در محرومیت قرار دادن زنان تضاد را تقویت می‌کند. زنان نمی‌توانند صبر کنند تا جنگ متوقف شود و سپس شروع به مطالبه‌گری کنند. زنان از حقوق اساسی برای مشارکت در همه ابعاد دولت سازی برخوردار هستند. نه تنها در خصوص برابری جنسیتی بلکه در خصوص همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، ایجاد صلح پایدار زنان توانمندی وجود دارد که بسیار متخصص هستند. زنان صلح‌بان لیبی برای پیشبرد روند صلح به ایالات متحده می‌روند و با مقامات سازمان ملل متحد در آمریکا دیدار دارند تا در خصوص ارتقای مشارکت زنان در روند صلح صحبت کنند. چراکه بسیاری از زنان صلح‌طلب در لیبی توانستند گروه‌هایی را باهم آشتی دهند». وی توضیح داد: «ما شبکه‌هایی را در جنوب لیبی ایجاد کردیم که زنان از قبایل مختلف بتوانند زیر یک چادر متحد شوند. این چادر به محلی برای اجتماع زنان و فضای امن برای به اشتراک گذاشتن درد اعضای خانواده گمشده تبدیل شد. این چادر تأثیر تعیین‌کننده‌ای برای بسیاری از زنان داشته است که تصمیم بگیرند فرزندان خود را به جنگ اعزام نکنند. کار زنان در کمک به آزادسازی بازداشت‌شدگان، جلوگیری از جذب کودکان در جنگ و ارسال کمک به شهرهای محاصره‌شده توسط زنان را وقتی سازمان‌های بین‌المللی نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند برجسته می‌شود» (زنان، صلح و آزادی، ۲۰۱۷).

۷-۴- صلح بانان زن و حفظ محیط زیست

حمایت از محیط‌زیست از موارد مهم امنیتی و از مصادیق حفظ، ایجاد و استقرار صلح است لذا اقدامات زنان صلح‌بان در این حوزه هم می‌توان صلح و امنیت ملی و بین‌المللی را تأمین نماید. همان‌طور که قبلاً گفته شد، نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهد، اما

نقش زنان در توسعه بیش از یک‌نیمه است. زنان آفریقایی می‌توانند ارتباط خوبی با محیط‌زیست برقرار کنند و به دلیل توجه ویژه‌ای که زنان ذاتاً به طبیعت دارند می‌توانند عامل اصلی انتقال فرهنگ زیست‌محیطی به نسل‌های آینده باشند. آنان می‌توانند در کشورهای آفریقایی زنان را جهت برنامه‌ریزی برای اصلاح محیط‌زیست وادار نمایند. صلح‌بانان زن می‌توانند به خانواده‌ها و کودکان آفریقایی بیاموزند که از تردهای غیرضروری با خودرو پرهیز کنند. از استفاده ظروف پلاستیکی و پاک‌سازی محیط‌زیست کوشا باشند. همچنین وضعیت آب در این مناطق بسیار مهم و ضروری است. اگر خانواده‌های این مناطق از فرهنگ مناسبی در زمینه مصرف آب برخوردار باشند با انتقال این فرهنگ به اعضای خانواده سالانه مقدار زیادی آب صرفه‌جویی خواهد شد (www.un.org).

فمینیسم صلح‌طلب معتقد بر وظایفی بود که به زنان در زمینه استقرار و حفظ صلح به آنان محول گردد. برحسب توانایی زنان با توجه به دنیا آوردن فرزند و تمایل به وظیفه ذاتی خود در جهت تربیت کردن کودکان تحقق حضور و اثربخشی زنان در ایجاد و حفظ صلح با توجه به حوزه اخلاق مراقبتی و مسئولیت‌پذیری می‌تواند اثرگذار باشد. تاکنون نیز وظایفی که به صلح‌بانان زن در آفریقای جنوبی به آنان محول شده در محدوده فعالیت خود به نحو مطلوب به انجام رسانده‌اند.

۷-۵- نقش جامعه زنان ایرانی در صلح‌سازی

زنان در عصر پهلوی

برای درک بهتر نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس لازم است به جایگاه زنان در دوران پهلوی اشاره شود. در دوران رضاشاه بانام تجدد و مبارزه با مظاهر دینی به تقلید از آتاتورک از سر زنان حجاب برداشته شد. زنان نسبت به این اقدام غیرشرعی و مستبدانه رضاشاه معترض بودند و خواهان حفظ پوشش دینی و سنتی خود بودند. این اقدام رضاشاه باعث شد تا آزادی‌های مشروع زنان که به صورت سنتی در جامعه ایرانی برای زنان شکل گرفته بود و در انقلاب مشروطه نیز تقویت گشته بود؛ پایان پذیرد. آزادی‌ها و حقوقی که زنان در آن عصر داشتند هرچند با مسائلی روبرو بود اما در هماهنگی با پوشش اسلامی و شرع مقدس بود و از سوی جامعه نیز مقاومت جدی با آن وجود نداشت. رفتارهای رضاشاه باعث شد تا زنان مؤمن از این آزادی‌ها و فرصت‌ها محروم شوند. امام

خمینی (ره) در توضیح این بحث به زیبایی زنان و روحانیون را دو قشری معرفی کردند که در دوران رضاشاه بیشترین آسیب را دیده‌اند: «دو طایفه را در آن وقت از همه بیش تر بهشان ظلم کردند: یکی بانوان بود که با این اسم آن قدر ظلم کردند و یکی هم روحانیون بود. این دو طایفه را شاید در زمان رضاشاه بیشتر از سایر مردم بهشان تعدی کردند.» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۵۴) هرچند به ظاهر بر اساس انقلاب سفید در اسفند ۱۳۴۱ به زنان حقوق سیاسی داده شد. (آبراهامیان، ۱۳۹۳) اما در واقع این حقوق جنبه نمایشی و باهدف ترویج بی بند باری بود. حقوقی که از سوی زنان مسلمان نیز پذیرفته نشد.

زنان و رهبران انقلاب اسلامی

یکی از نکاتی که باید به آن اشاره شود نگاه و رویکرد رهبران انقلاب اسلامی به زنان است. با توجه به این که رهبری نهضت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی با این بزرگان بوده است، نگاه آنان به زنان نشان‌دهنده سیاست‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی باشد. امام خمینی (ره) زنان را همانند قرآن انسان‌ساز معرفی می‌کردند. (طباطبائی، پرتال امام خمینی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸) امام خمینی (ره) نقش تربیتی و اخلاقی زنان را در جامعه اسلامی مورد توجه قرار داده و آن‌ها را عامل ارتقای معنویت اعلام داشتند. «خواهران من، کوشش کنید که فرزندان خودتان را خوب تربیت کنید؛ کوشش کنید که فرزندان خودتان را باایمان و بااراده تربیت کنید؛ کوشش کنید که فرزندان خودتان را تحویل جامعه بدهید که برای اسلام مفید باشند. فرزندان، از مادران بیشتر حرف را قبول می‌کنند؛ دل‌بستگی فرزندان به مادران از هر کس دیگری بیشتر است؛ شما بهتر می‌توانید بچه‌ها را تربیت کنید.» (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۱۱۷) ایشان با تأکید و توجه به نقش مادری در یک خانواده بهشت را زیر پای مادران دانسته و قلب و جان مادر را جلوه‌ای از رحمت ربوبیت دانست: «بهشت زیر قدم‌های مادران است. یک حقیقت است و این که با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هوشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید.» (همان، ج ۱۶: ۲۲۵) زن و خانواده نزد آیت‌الله خامنه‌ای نیز دارای جایگاه رفیعی است.

زنان و نهضت انقلاب اسلامی

با شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ زنان در ایران در کنار مردان برای دستیابی به آزادی و استقلال به مبارزه پرداختند. زنان در گروه‌های سیاسی گوناگون به فعالیت سیاسی

می‌پرداختند. در این میان فعالیت زنان مسلمان به دلیل پابندی آن‌ها به شرع مقدس و احکام اسلامی و همچنین مبارزه بر اساس ارزش‌های اسلامی زنان افراد بسیاری گردیدند. آیت‌الله خامنه‌ای حضور زنان در به نتیجه رسیدن انقلاب اسلامی غیرقابل کتمان دانستند. ایشان اساساً موفقیت تمامی جنبش‌ها و حرکات اجتماعی را منوط به حضور زنان دانستند: «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی‌بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک‌ترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده می‌کنند و تشجیع می‌کنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا به امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم.» (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۴/۲۱)^۱ امام خمینی (ره) نیز نقش زنان را در پیروزی انقلاب اسلامی غیرقابل کتمان دانسته‌اند: «این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرئت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم‌ها هستیم» (صحیفه امام خمینی، ج ۶: ۷) شهید مطهری زنان را در انقلاب اسلامی به زنان صدر اسلام تشبیه کرده است که در عین تربیت فرزندان صالحه در کنار همسران خود به یاری پیامبر اسلام شتافته و در راه اسلام مجاهدت نمودند. «به نظر می‌رسد این چنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی‌سابقه است... و به همین جهت ایجاب می‌کند که تحقیق کنیم چه عواملی موجب گشت که زن بار دیگر - علاوه بر صدر اسلام - در صحنه تاریخ ظاهر شود و تاریخ را از مذکر بودن محض خارج کند و آن را مؤنث (مذکر-مونث) نماید.» (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۲۴) رهبران جمهوری انقلاب اسلامی به صورت کامل نقش زنان در انقلاب اسلامی را پذیرفته‌اند. برای نمونه نیز می‌توان زنانی را نام برد که به واسطه حضور در مبارزه با رژیم طاغوت به تحمل شکنجه و زندان متهم شدند. اعظم اعلائی طالقانی دختر آیت‌الله طالقانی نمونه‌ای از همین افراد است. وی سال‌ها در زندان بوده و شکنجه‌های گوناگونی را تحمل کرده است. مرضیه دباغ نیز از زنانی است که در زندان شاه بسیار شکنجه شده بود. وی در کتاب خاطرات شکنجه به ماجرای شکنجه دختر نوجوانش

۱. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی

در حضور خود اشاره کرده است. طاهره سجادی و همسرش مهدی غیوران نمونه دیگری از زن‌وشوهری عاشق است که سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کردند.

زنان و دفاع مقدس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان ایرانی هنوز خستگی مبارزه طولانی علیه رژیم پهلوی را پشت سر نگذاشته بودند که بار دیگر بر خود تکلیف دیدند که برای دفاع از انقلاب، به ایفای نقش‌های تازه‌تر و مؤثرتر در عرصه‌های جدیدتر بپردازند. از این رو شرکت در بحران‌هایی را که در گوشه و کنار کشور، به‌ویژه در کردستان بر پا شد را جزء وظیفه خود دانستند، ولی آنچه زنان را به کمک و مساعدت بیشتر طلبید دفاع مقدس است که هشت سال نظاره‌گر رشادت‌های زنان و مردان این مرزوبوم بود. زنان نقش‌های مهمی را در راستای صلح سازی و ایجاد امنیت در کشور انجام دادند که می‌توان در موارد مهمی مانند اقدامات رزمی، حمایت عاطفی، ستادهای پشتیبانی، امداد و درمان، جهاد مالی، ایثار و فداکاری و تبلیغ و همکاری اطلاعاتی اشاره نمود. در ذیل به شرح و تفسیر مختصری از موارد مذکور می‌پردازیم.

اولین مسئولیتی که زنان در دفاع مقدس، به‌صورت خودجوش و همپای مردان بر عهده گرفتند، جنگیدن با دشمن بعثی در جنوب و مزدوران داخلی در کردستان بود، زنان رزمنده در خرمشهر، کارهای دیگری را نیز بر عهده داشتند که مراقبت از تسلیحات، تسلیح رزمندگان، نگهداری از پیکر شهدا، توزیع سلاح بین رزمندگان از آن جمله بوده است. در جبهه‌های دیگر هم وضع به همین صورت بود. در جنگ، نقش پشتیبانی روانی و عاطفی جنگجویان را به زنان واگذار شد تا باروحیه دادن به سربازان، جنگ با موفقیت به پایان برسد. در جنگ تحمیلی نیز، زنان ایرانی، خودجوش و وظیفه حمایت روحی از رزمندگان را به دوش گرفتند و آن‌گونه که امام خمینی (ره) هم فرمودند: به‌موجب عواطفی که بانوان ابراز کردند، برای جبهه، کارهای بسیار مفیدی را انجام دادند.

از این رو، دفاع مقدس، نمونه‌های بی‌شمار و درعین حال، کم‌نظیری از پشتیبانی‌های معنوی خانم‌های ایرانی را به ثبت رسانده است. جلوه‌های دیگر همراهی خواهران و همسران و مادران مسلمان ایرانی را باید در تهیه و تدارک اجناس و اقلام موردنیاز رزمندگان و سربازان دید. زنان در حمایت مادی و لجستیکی از جبهه‌های جنوب و غرب، از جان و مال خود مایه گذاشتند و صحنه به‌یادماندنی و فراموش‌نشدنی فراوانی را خلق کردند.

زنان علاوه بر این که فرزندان، همسران، برادران و پدران خود را به مشارکت در دفاع مقدس تشویق می‌کردند و این تشویق‌ها در استقبال مردان برای حضور بیشتر در جبهه‌ها بسیار مؤثر واقع شد، پس از شنیدن خبر جراحت و شهادت بستگان و عزیزان خود، شکیبایی و بردباری کم‌نظیری را به نمایش گذاشتند که آن‌هم در تقویت روحیه رزمندگان به ادامه مردانه جنگ کمک فراوانی کرد. ایثارگری و فداکاری زنان ایرانی به‌اندازه‌ای بوده که حتی رسانه‌های خارجی هم نتوانستند منکر آن شوند، از جمله یک نشریه پاکستانی که نوشته بود: «از خانواده اسرای جنگی به‌خوبی مراقبت می‌شود. بیوه‌زنان فشارهای ناشی از جدایی و عدم ارتباط با همسرشان را باوقار و شکیبایی تحمل کرده‌اند. آن‌ها دولت را در قبول تقاضاهایشان که ممکن است از وجهه کشورشان بکاهد، تحت فشار نگذاشته‌اند این نوع برخورد هیچ‌گونه شباهتی با صدای گریه بیوه‌زنان اسرای جنگی عراق ندارد... کلاً زنان ایرانی شجاعت رویارویی با هر مصیبتی را دارند. زنان ایرانی کاملاً آماده برخورد با هرگونه واقعه اضطراری هستند و برخی از آنان در کلاس‌های آموزش نظامی شرکت می‌کنند... آن‌ها برای رویارویی با موقعیت‌های مختلف از جمله بمباران شیمیایی شهرها و برای خدمت در بیمارستان‌های صحرائی در پشت جبهه تعلیم قرار می‌گیرند.» (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در باب زنان فعال در دفاع مقدس ایثار و فداکاری آنان را فراتر از دوران هشت‌ساله جنگ تحمیلی دانسته است. «من لازم است عرض بکنم، این همسران مجاهدان راه حق و مبارزان و سرداران و مادران آن‌ها حقیقتاً آیتی هستند از صبر و مقاومت. شرح حال این‌ها را که انسان نگاه می‌کند و می‌خواند، رنج‌های این‌ها را که ملاحظه می‌کند - البته بانوانی که قبل از انقلاب همسر مبارزینی بودند که سختی‌هایی را تحمل می‌کردند، نمونه‌هایی هم در آنجا دیده می‌شد لیکن نمونه‌های کامل در دوره دفاع مقدس بود - می‌بینید این همسران چه کشیدند این مادران چه کشیدند این‌ها فرزندان را فرستادند جبهه‌ها بسیاری از آن‌ها شهید شدند، جانباز شدند و این اسوه‌های صبر و مقاومت مثل کوه، استوار ایستادند. این در عرصه مسائل معنوی و انسانی.» (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱/۳۹۰/۱۳۹۰).

اقدامات حفظ صلح ملل متحد ابزارهای حیاتی هستند که توسط جامعه بین‌المللی به کار گرفته می‌شوند تا صلح و امنیت را بهبود بخشند. زنان از جمله بازیگران اصلی در صلح‌سازی محسوب می‌شوند.

با توجه به آنچه بیان شد نویسنده این پژوهش به‌طور کلی افزایش تعداد زنان را در عملیات حفظ صلح پیشنهاد می‌دهد چراکه معتقد به نقش مثبت زنان صلح‌بان سازمان ملل است و بیان می‌دارد که حضور بیشتر زنان موجب کارایی عملیات حفظ صلح می‌شود و مأموریت‌ها را بهبود می‌بخشد. لذا به‌کارگیری تعداد بیشتری از زنان صلح، برای رسیدن به یک مأموریت موفق‌تر، ضروری است و نه به‌عنوان یک هدف که باید به آن توجه نمود. از سوی دیگر بررسی نویسنده نشان می‌دهد؛ تاریخ جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب بزرگ اسلامی مملو از حضور زنان انقلابی و تاریخ‌ساز بوده است که اقدامات و گام‌های مهمی را در جهت پررنگ نمودن نقش زنان چه در عرصه ملی و چه بین‌المللی برداشته‌اند و بسیاری از آنچه در تعریف صلح در قالب موسع بیان می‌شود را در راستای امنیت و عدالت فراهم نموده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به خانم مرضیه حدیدچی (خانم طاهره دباغ) اشاره نمود.

کتابنامه

فارسی

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳)، ایران میان دو انقلاب، ترجمه احمدگل محمدی، انتشارات نی.
۲. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۶)، صحیفه امام، انتشارات عروج.
۳. آمالا، آنتی (۲۰۱۴)، جنسیت جهانی، زنان همچنان از درآمد مردان عقب مانده‌اند، دسترسی در آدرس: <https://share.america.gov>
۴. ---، --- (۲۰۱۹)، ایجاد برابری برای زن‌های لیبی، دسترسی در آدرس: <http://cmi.fi/2019/03/08/creating-libyan-superwomen/>
۵. ---، --- (۲۰۱۸)، پیشرفت زنان قاره آفریقا، سایت صدای آمریکا، دسترسی در آدرس: <https://ir.voanews.com/a/women-africa-politics/> ۱۸۶۶۶۳۹.html
۶. اشرفی، داریوش (۱۳۹۳)، «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌المللی و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، صص ۸۳ تا ۱۰۹.
۷. اولادقباد، فریده (۱۳۹۷)، «ضرورت افزایش میزان مشارکت زنان در حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در فرآیند صلح»، دومین کنفرانس مبارزه با تروریسم.
۸. بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. پایگاه تحلیلی - خبری خانواده و زنان (۱۳۹۱)، «معرفی سازمان زنان سازمان ملل»، مهرخانه، دسترسی در آدرس: <http://mehrkhane.com/fa/news/2332> در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۲
۱۰. توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۷)، «نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و مسئله استفاده جنسی و سوءاستفاده جنسی از زنان» (SEA)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۲۰، شماره ۸۰، صص ۹۵ تا ۱۱۵.

۱۱. «زنان، صلح و آزادی» (۲۰۱۷)، اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی، دسترسی در آدرس: <https://www.wilpf.org>
۱۲. سعیدی، گلناز (۱۳۹۷)، نقش زنان صلح پایدار در جهان، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC).
۱۳. شادمانی، مهدیه (۱۳۹۵)، «درآمدی بر نقش زنان در مخاصمات و استقرار صلح»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، دوره ۲، شماره ۴، صص ۷۱ تا ۸۶.
۱۴. صبوری، ضیاءالدین و همکاران (۱۳۹۱)، «چالش‌های نهاد زنان ملل متحد در ایجاد صلح پایدار»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پنجم.
۱۵. صانع‌پور، مریم (۱۳۹۶)، «حضور مادران زن در قدرت و سیاست»، پژوهشنامه زنان، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۲۱ تا ۱۴۱.
۱۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۷)، «زنان و تحول سیاست‌های جهانی»، ترجمه عباس عراقچی، سیاست خارجی، سال ۱۲، شماره ۳.
۱۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، از جنس تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
۱۸. مالمبو، دورین (۲۰۱۰)، نقش افسران زن به‌عنوان حافظان صلح، دسترسی در آدرس: www.un.org
۱۹. موحد، مجید (۱۳۸۵)، «الهیات فمینیستی و دنیوی شدن»، اندیشه دینی، شماره ۲۰، صص ۸۱ تا ۱۰۶.
۲۰. نوازی، بهرام و همکاران (۱۳۹۳)، نکات کلیدی نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، تپسا.
۲۱. عسگری، پوریا و خسروی، یلدا (۱۳۹۵)، «ضرورت و بایسته‌های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و دوم.

۲۲. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، «نقش زنان در ترویج فرهنگ صلح در جهان». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
۲۳. تقی‌زاده انصاری، محمد؛ سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، «ارتقای نقش زنان در عملیات پاسداری از صلح در عرصه روابط بین‌الملل». فصلنامه مطالعات افکار عمومی. سال سوم. شماره دهم.
۲۴. طاهری، مرضیه (۱۳۹۳)، زنان، صلح و امنیت - نگاهی اجمالی قطعنامه شماره ۱۳۲۵ شورای امنیت، مهرخانه دسترسی در سایت: <http://mehrkhane.com>
۲۵. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۸۵). مشارکت زنان در دفاع مقدس. دسترسی در سایت <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5415/5424/50729> تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۴/۱۵.

لاتین

26. -Bigio, Jamille & Vogelstein, Rachel. 2018. "Increasing Female Participation in Peacekeeping Operations". Council on foreign Relations. www.cfr.org.
27. -De la Vega, C. & Haley Nelson, C. E. 2006. The role of women in peacekeeping and peacemaking: Devising solutions to the demand side of trafficking. *Wm. & Mary J. Women & L.* 12, 437.
28. -UN Security Council, Security Council resolution 2272. 2016. [on sexual exploitation and abuse by United Nations peacekeepers], 11 March 2016, S/RES/2272.2016, available at: <https://www.refworld.org/docid/56e915484.html> [accessed 28 February 2019]
29. -UN. GIFT. HUB. 2013. About UN. Gift. <http://www.ungift.org/knowledgehub/en/about/index.html.2/6/201>
30. -<https://undocs.org/A/70/729>
31. -<https://www.un.org>
32. -Camille Pampell Conaway and Jolynn Shoemake. 2008. Women in United Nations Peace Operations: Increasing the Leadership Opportunities. *Women In International Security*. Georgetown University.
33. -Kathleen M. Jennings. 2011. Women's participation in UN peacekeeping operations: agents of change or stranded symbols?. *N O R E F R e p o r t*.

34. - Francesco Bertolazzi,, 2010. Women with a Blue Helmet: The Integration of Women and Gender Issues in UN Peacekeeping Missions, UN-INSTRAW Working Paper Series, Dominican Republic.
35. - UN DPKO (Department of Peacekeeping Operations), 2004, Gender Resource Package for Peacekeeping Operations, New York, DKPO.
36. -Gaurier, D. (2012). Cosmopolis and Utopia, in Oxford handbook of the history of international law. Fassbender. B and A. Peters. United Kingdom Oxford: University Press
37. -A/CN.4/693. (2016). International Law Commission First report on jus cogens, by Dire Tladi, Special Rapporteur, Geneva.
38. - Anderson, R. (2004). A Definition of Peace. Peace and Conflict: Journal of Peace and Psychology, 10 (2), pp.101-116.

-
1. UN peacekeeping operations
 2. De la Vega, C. & Haley Nelson, C. E
 3. Conaway
 4. Shoemaker
 5. Jennings
 6. Wallace C. and Clara A. Abbott
 7. Peacemaking Feminism
 8. Francis Fukuyama
 9. Winnie Byanyima
 - 10 Salva Kiir Mayardit
 - 11 Riek Machar
 - 12 Unpol
 - 13 Female Genital Mutilation

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی